

باند سارقان مسلح اتباع

از طلافروشی‌های تهران متلاشی شد

- غلامرضا مسکنی**
- سُرقت‌های مسلحانه اتباع از طلافروشی‌های تهران که با قتل و زخمی شدن شهروندان در جریان بود با شناسایی سردهسته باند در یکی از گمرکات شرقی کشور حین خروج از مرز با مقدار زیادی طلای سرقتی در دام کار آگاهان پلیس تهران گرفتار شد. این متهم که هم‌راه ۹ عضو باندش همگی از اتباع هستند، دستگیر شدند. شامگاه پنج‌شنبه دوم بهمن‌ماه، مأموران پلیس تهران در جریان یک سرقت مسلحانه از مغازه طلافروشی در محله خلیج فارس در جنوب تهران قرار گرفتند.
- صحنه‌ای به‌بهر ریخته و آثار شلیک گلوله**

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس به سرعت به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مغازه طلافروشی کاملاً به‌هم ریخته‌است، شیشه‌ها ویرین شکسته و آثار شلیک چند تیر جنگی در محل مشاهده می‌شود. صاحب طلافروشی در اظهارات خود اعلام کرد سارقان مسلح نقابدار پنج نفر بودند که با شلیک گلوله و ضربات پتک آهنی، ویرترین و در مغازه را تخریب کرده و پس از شلیک چند تیر و تهدید به قتل، حدود ۲/۵ کیلو طلا را سرقت کردند و به سرعت از محل گریختند.

- روایت شاهدان از لحظات هولناک سرقت**

شاهدان عینی نیز عنوان کردند سارقان که چهار نفر از آنها مسلح به سلاح جنگی بودند، برای ترساندن رهگذران، کسبه محل و صاحب مغازه اقدام به تیراندازی کرده و با ایجاد رعب و وحشت، کسبه‌ای پر از طلا را برداشته و فرار کردند. بدین ترتیب رسیدگی به پرونده این سرقت مسلحانه در اختیار تیمی از کار آگاهان زنده اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مدار بسته در یافتند سارقان مسلح و نقابدار که لباس مشکي به تن داشتند، لحظاتی پیش از سرقت با دو خودرو در کنار بزرگراه توقف و سپس در حالی که چهار نفرشان مسلح به سلاح جنگی و یک نفر نیز پتک آهنی در دست داشت، به سمت طلافروشی حرکت کردند.

- شلیک، تخریب و فرار**

تصاویر دوربین‌ها نشان می‌داد سارقان به محض رسیدن به مغازه شروع به تیراندازی و شکستن شیشه‌ها ویرین کردند و پس از سرقت طلاها، برای فرار از دست رهگذران و کسبه محل، با شلیک چند تیر دیگر موفق به فرار شدند.

- خودروهای سرقتی و سرخ‌های تازه**

در گام بعدی مشخص شد هر دو خودروی مورد استفاده سارقان، سرقتی بوده و آنها چند روز قبل این خودروها را از دو منطقه مختلف تهران سرقت و برای اجرای سرقت مسلحانه استفاده کرده‌اند. با وجود تلاش سارقان برای به‌جا نگذاشتن هیچ ردی از خود، کار آگاهان پلیس آگاهی با بررسی پوکه‌های کشف‌شده، آثار به‌جا مانده در محل و همچنین شیوه و شگرد سارقان، به ردی آنها در چهار سرقت مسلحانه دیگر دست یافتند. بررسی‌های فنی مأموران نشان داد این سارقان مسلح در سال‌های قبل نیز از چهار طلافروشی دیگر به همین شیوه سرقت



سارقان مسلح در جریان سرقت طلاها در تهران

کرده‌اند که در یک مورد ناکام ماند و در سه مورد دیگر با طلاهای سرقتی فرار کرده‌اند. در جریان این سرقت‌های مشابه، سارقان یک نفر از نزدیکان صاحب یکی از طلافروشی‌ها را با شلیک گلوله به قتل رسانده، یک رهگذر را زخمی و در سرقتی دیگر نیز هنگام فرار، دو رهگذر دیگر را زخمی کرده‌اند.

- طراحی سرقت‌ها در جنوب تهران**

بررسی‌ها نشان داد سردهسته این باند، هر چهار سرقت مسلحانه قبلی را در مناطق جنوبی تهران، در ابتدای شب و در نزدیکی بزرگ‌راه‌ها طراحی می‌کرده تا پس از سرقت، به راحتی فرار کنند. سارقان همچنین در تمامی سرقت‌ها از خودروها و موتورسیکلت‌های سرقتی استفاده می‌کردند تا ردی از خود به‌جا نگذارند.

- اولین سرقت؛ اسفند ۱۴۰۱**

اطلاعات به‌دست‌آمده از آخرین سرقت در محله خلیج فارس نشان داد این باند حرفه‌ای نخستین سرقت مسلحانه خود را یازدهم اسفندماه سال ۱۴۰۱ انجام داده‌اند. ساعت ۱۹ شامگاه پنج‌شنبه ۱۱ اسفندماه، مأموران کالتری ۱۷۱ مصطفی خمینی در جریان سرقت مسلحانه‌ای از طلافروشی در محدوده مرتضی گرد در جنوب تهران قرار گرفتند و همزمان تیمی از کار آگاهان اداره یکم پلیس آگاهی به محل اعزام شدند. دوربین‌های مداربسته، چهره‌های پوشیده سه سارق مسلح به کلاشینکف، کلت کمرب و پتک آهنی را ثبت کرده‌بود که پس از تیراندازی و تخریب ویرین مغازه، حدود دو کیلو طلا را سرقت کردند. در جریان این سرقت، سارقان دو نفر را هدف گلوله قرار دادند. یکی از آنها که از بستگان صاحب مغازه بود و قصد جلوگیری از سرقت را داشت، با شلیک گلوله به شکمش جان باخت. نفر دوم نیز که رهگذر بود، از ناحیه پا زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شد.

- فرار با موتورسیکلت‌های سرقتی**

سارقان با دو موتورسیکلت بدون پلاک از محل فرار کردند و در ادامه موتورسیکلت‌ها را در بیابان‌های اطراف تهران رها کردند که مشخص شد هر دو سرقتی بوده‌اند.

- سرقت ناکام در شادآباد**

دومین سرقت این باند در ۲۷ آذرماه سال ۱۴۰۲ طراحی و اجرا شد، اما به دلیل حضور به موقع پلیس ناکام ماند. شامگاه آن شب مأموران حین گشت‌زنی در محدوده شادآباد متوجه شلیک‌های مداوم در یکی از خیابان‌ها شدند. بررسی‌ها نشان داد چند سارق مسلح قصد دستبرد به طلافروشی را داشتند که در جریان تیراندازی آنها، دو شهروند از جمله یک خانم جوان زخمی شدند، اما سارقان موفق به سرقت نشدند و فرار کردند.

- ادامه سرقت‌ها در صالح آباد**

در حالی که سارقان مسلح تحت تعقیب بودند، شامگاه ۳۰ دی‌ماه سرقت مسلحانه دیگری از طلافروشی در منطقه صالح‌آباد جنوب تهران به پلیس گزارش شد. این سرقت توسط پنج سارق مسلح نقابدار انجام شد که پس از شلیک چند تیر و تخریب ویرین مغازه، حدود یک کیلو طلا را سرقت کردند و نیم کیلو طلا را سرقت کردند و گریختند. مأموران پلیس پس از کشف خودروی رهاشده سارقان در یکی از محورهاهای خروجی شهر، در یافتند خودرو سرقتی بوده و صاحب آن چند روز قبل شکایت کرده‌است. مأموران پلیس در جریان سومین سرقت مسلحانه متوجه شدند اعضای این باند همگی از اتباع هستند و پس از هر سرقت به سرعت به سمت مرزهای شرقی کشور فرار می‌کنند و پس از مدتی، با تصور فرکوش کردن حساسیت‌ها، دوباره وارد ایران می‌شوند و دست به سرقت مسلحانه می‌زنند.

- چهارمین سرقت؛ دی‌ماه ۱۴۰۳**

پرونده سرقت‌های سریالی این باند همچنان باز بود تا اینکه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۳ چهارمین سرقت مسلحانه از طلافروشی در یکی از پاسبازهای جنوب تهران گزارش شد. در این سرقت، پنج سارق مسلح پس از ایجاد رعب و وحشت با شلیک گلوله، موفق شدند سه کیلو طلا و جواهرات را سرقت کنند و با چند موتورسیکلت و یک خودروی سواری متواری شوند. پس از کشف موتورسیکلت‌ها و خودروی رهاشده، مشخص شد همه آنها سرقتی بوده و سارقان بیش از دستگیری از مرزهای شرقی خارج شده‌اند.

- دستگیری سردهسته باند در گمرک**

با بررسی این چهار سرقت مسلحانه، مأموران احتمال دادند سارقان در آخرین سرقت محله خلیج فارس نیز به سمت مرزهای شرقی گریخته باشند. تحقیقات روی شهرهای مرزی متمرکز شد تا اینکه ردپای سردهسته باند در یکی از گمرکات مرزی شرق کشور شناسایی شد. مأموران در یافتند سردهسته باند طلاهای حرفه‌ای سرقتی را به صورت حرفه‌ای جاسازی کرده و قصد خروج از کشور را دارد. وی تحت‌نظر قرار گرفت و پیش از خروج از کشور دستگیر و به پلیس منتقل شد. در بازسازی بدنی، مقدار زیادی طلای سرقتی از او کشف شد. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های مسلحانه اعتراف کرد. سردار علی گوهرز، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «متهم پس از اعتراف همدستان خود را به پلیس معرفی کرد و تعدادی از همدستان و معاونان او در تهران و حومه دستگیر شدند.» تحقیقات از ۱۰ متهم دستگیر شده در جریان این پرونده ادامه دارد.

حجرات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

درخواست غرامت ۱۳۲ میلیارد دلاری از امریکا

امریکا بدهکار خون

دختر معلول ایرانی است

- حسین فصیحی**

۳۰ سال از روزی که تابوتی سرد از امریکا به تهران رسید، می‌گذرد. تابوتی که پیکر «مریم» را در خود داشت، دختری معلول، که برای درمان از ایران رفت، اما هرگز بازنگشت. از آن روز تاکنون مادرش، دکتر مینا پورزند، هر صبح خود را با یک سؤال آغاز کرده‌است: دخترم چرا مرد؟
سؤالی که او را وارد یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین پرونده‌های حقوقی علیه دولت امریکا کرد، پرونده‌ای که هنوز هم برای این مادر بسته نشده‌است.

- آغاز یک رنج؛ مادری و کودکی که آسان نبود**

مریم از همان بدو تولد، زندگی را سخت آغاز کرد. آن‌کسی هنگام تولد، فلج مغزی را برایش به یادگار گذاشت؛ تشخیصی که مسیر زندگی مادر و دختر را برای همیشه تغییر داد. دکتر مینا پورزند که زنی تحصیلکرده بود، تصمیم گرفت تمام توان، سرمایه و عمرش را صرف درمان فرزندش کند. ۱۱ ماهگی مریم، آغاز سفرهای درمانی بود؛ ابتدا سوئیس و سپس بازگشت به ایران. امیدها هرگز از دل این مادر رخت نبرست. او سال‌ها بعد با شنیدن وعده یک جراح امریکایی که برای مدتی به ایران آمده بود، بار دیگر دل به درمان بست؛ وعده‌ای که می‌گفت مریم می‌تواند راه برود.

- یک جراحی، یک خط و اضافه شدن رنجی تازه**

عمل جراحی انجام شد، اما نتیجه آن چیزی نبود که انتظار می‌رفت. تزریق بیش از حد داروی بی‌هوشی، مریم را به بیماری صرع مبتلا کرد. از آن پس، نه تنها فلج مغزی، بلکه تشنج‌های مکرر نیز به زندگی مریم اضافه شد. درمان سخت‌تر شد و نیاز به امکانات تخصصی‌تر، مادر را به تصمیمی بزرگ رساند؛ سفر به امریکا.

- سفر درمانی به امریکا؛ امیدی که به کابوس بدل شد**

سال ۱۹۸۰، زمانی که مریم هفت ساله بود، مادر و دختر راهی امریکا شدند. درمان‌های اولیه، نشانه‌هایی از پیشرفت داشت. تمرین‌های سنگین روزانه، فیزیوتراپی‌های مداوم و برنامه‌های توان‌بخشی باعث شد مریم پس از ماهه تلاش، دوباره روی پاهایش بایستد. امید، بار دیگر در دل مادر جوانه زد، اما اقامت در امریکا فقط درمان نبود. مشکلات رفت‌وآمد، اقامت و هزینه‌ها، دکتر پورزند را به فکر سرمایه‌گذاری و خرید مسکن انداخت، تصمیمی که به گفته خودش، نقطه آغاز فاجعه بود.

- آشنایی با یک امریکایی و شکل‌گیری یک توطئه**

در جریان خرید چند واحد آپارتمان، دکتر پورزند با مردی امریکایی آشنا شد، فردی که بعدها او را «شید» می‌نامد. به روایت این مادر، آن مرد وقتی متوجه میزان دارایی او شد، با هدف دستی یک پزشک، نقشه‌ای برای صاحب اموالش طراحی کرد. آنها با جعل پزشکی، مدعی شدند دکتر پورزند به بیماری روانی مبتلاست و صلاحیت نگهداری از فرزندش را ندارد. ادعایی که به سرعت وارد روند قضایی شد و دادگاه محلی راجستر بدون توجه به قوانین بین‌المللی، رأیی ناعادلانه صادر کرد.

- صلب قضائت؛ جادو کردن مدار از دختر**

دادگاه، حکم پوریم را از مادر گرفت. پلیس امریکا، دختر معلول را زور به یک مرکز

خدمات اجتماعی منتقل کرد و دکتر پورزند نیز مدتی در یک بیمارستان روانی بستری شد. او بعدها فاش کرد که قاضی پرونده، همسر همان پزشکی است که در این ماجرا نقش داشته، ادعایی که اسناد آن را منتشر کرده‌است. از آن پس، ملاقات‌های مادر و دختر محدود و تحت نظارت شد؛ ملاقات‌هایی که هر بار با نشانه‌های تازمای از جراحات روی بدن مریم همراه بود.

- آثار کیبودی، سوختگی و نگرانی‌های بی‌پاسخ**

دکتر پورزند می‌گوید در یکی از ملاقات‌ها، آثار سوختگی شدیدی را روی بدن مریم دیده‌است. او بارها این موضوع را به مسئولان مرکز، دادگاه و حتی دادستانی کل امریکا گزارش داد، اما نه‌تنها رسیدگی نشد، بلکه به‌دنبال شکایت او به اتهام کودک‌آزاری، ملاقات‌ها به‌طور کامل قطع شد. او هشت سال در سیستم قضایی امریکا سرگردان بود؛ از شکایت علیه قاضی گرفته تا مکاتیب با دادستان کل. اما هر بار با درهای بسته مواجه می‌شد.

- بازگشت به ایران و آخرین تلاش‌ها**

با ناامیدی از دادخواهی در امریکا، دکتر پورزند به ایران بازگشت. او از طریق پلیس اینترنتل در خواست استرداد دخترش را مطرح کرد، اما هنوز این روند به نتیجه نرسیده بود که خبر رسید مریم فوت کرده‌است. اول اکتبر ۱۹۹۶ تاریخی که برای همیشه در ذهن این مادر حک شد. علت فوت «خفگی» یا «صرع» اعلام شد، بی‌آنکه توضیح روشنی ارائه شود. به درخواست مادر، پیکر مریم به ایران منتقل شد. جسد مومیایی شده بود و امکان بررسی دقیق علت مرگ وجود نداشت. با این حال، آثار کیبودی گسترده روی بدن، شک و تردیدها را بیشتر کرد. با وجود اصرار مادر، پیکر بدون انتقال به پزشکی قانونی دفن شد، تصمیمی که بعدها به یکی از نقاط مبهم پرونده تبدیل شد.

- دادخواهی جهانی؛ از لاهه تا تهران**

دکتر پورزند پس از این واقعه، شکایت خود را در دادگاه بین‌المللی لاهه مطرح و درخواست غرامت ۱۳۲ میلیارد دلاری را ارائه کرد، رقمی که به گفته‌او، قرار بود صرف حمایت از کودکان معلول ایرانی شود. او حتی به کوفی پتان، دبیر کل وقت سازمان ملل نامه نوشت و سازمان ملل را به بی‌طرف نبودن در رسیدگی به پرونده متهم کرد. پاسخ‌ها اما مبهم و ناامیدکننده بود.

- پذیرش شکایت در ایران؛ روزنه‌ای از امید**

پس از سال‌ها پیگیری، دستگاه قضایی ایران شکایت او علیه دولت امریکا را پذیرفت. پرونده‌های متعدد جمیع و سرانجام به شصیه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل ارجاع شد. نخستین جلسه رسیدگی در تیرماه ۱۳۹۲ برگزار شد، جلسهای تاریخی برای این مادر. اما نماینده‌ای از دولت امریکا در دادگاه حاضر نشد. قاضی پس از استماع اظهارات شاکي، ادامه رسیدگی را به جلسات بعد موکول کرد، جلساتی که با تشکیل نشد یا بی‌نتیجه ماند.

- نظر کارشناسی و رأیی که زخمی تازه بود**

دادگاه برای بررسی علت مرگ از کارشناس پزشکی استعالم کرد. نظر کارشناسی، فوت مریم را ناشی از بیماری صرع دانست و دلایل کافی برای اثبات قتل ارائه نشد. این رأی منجر به تیرنه دولت امریکا از اتهام قتل شد. مادر مریم به این نظر اعتراض کرد و خواستار

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۱۰۹۹) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم ویس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی اصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۴/۱۱/۱۱) نوبت دوم: (۱۴۰۴/۱۱/۲۶)

- تقاضای «آقای محمد ناصری» فرزند «شیخ عباس» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۲۰۰،۳۵» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۰» فرعی از «۸۷» اصلی واقع در بخش «۹» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرعلی خورشیدوند»
- تقاضای «آقای نصرت اله رستمی» فرزند «بکشیر» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۶۶۹۹،۲۶» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۱۶» فرعی از «۳۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بکشیر رستمی چنگانی»
- تقاضای «آقای نصرت اله رستمی» فرزند «بکشیر» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۵۱۹۰،۰۱» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۱۷» فرعی از «۳۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بکشیر رستمی چنگانی»
- تقاضای «آقای نصرت اله رستمی» فرزند «بکشیر» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۹۴۳،۰۲» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۹۹» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بکشیر رستمی چنگانی»
- تقاضای «خانم آذین شادابی» فرزند «سعید» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۵۱۹،۵۶» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۹۷» فرعی از «۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عیدی دهقانی»
- تقاضای «آقای منصور احمدی جود» فرزند «جعفر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۳۱۸۳،۱۱» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۵۴» فرعی از «۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»
- تقاضای «آقای فریدون ناصرپور» فرزند «نامدار معروف به سردار» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۶۵۰،۱۹» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۴» فرعی از «۸۰» اصلی واقع در بخش «۹» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سردار ناصرپور»
- تقاضای «آقای فریدون ناصرپور» فرزند «نامدار معروف به سردار» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۱۸۵،۱۳» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶۳» فرعی از «۸۰» اصلی واقع در بخش «۹» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سردار ناصرپور»
- تقاضای «آقای سعید الماسی» فرزند «کوکچکلی» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «آقای حمید الماسی» فرزند «کوکچکلی» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۷۲۱،۷۱» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۸۵» فرعی از «۴۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «گرگلی فرهادی»
- تقاضای «آقای روح اله میردر یگوندی» فرزند «میرموسی» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» و «آقای محمد ادیبی پور» فرزند «جواد» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۹۶۷،۲۴» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۱۰» فرعی از «۲۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد سیاه پور»

فرشاد بازوندی نژاد

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

شناسه آگهی: ۲۱۰۵۱۳۱

تلفن :

۸۸۵۴۵۴۸۸

سازمان آگهی های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می پذیرد